

در مراسم بزرگداشت شهید باغبانی

پناهیان: مستندسازان و هنرمندان ما جنایات منطقه را نشان دهند، تا سیاستمداران کهنسال و فرتوت ما دوست و دشمن را اشتباه نگیرند/ دفاع مقدس زمان عمل بود نه حرف؛ امروز دوباره دوره عمل فرارسیده / زمان جنگ: «تا کربلا، یک یا حسین دیگر»، امروز: «تا رویارویی نهایی حق و باطل یک یا حسین دیگر»

پناهیان: الان دوباره نوبت دیگری از دوره عمل فرارسیده است. هر کسی دستش با دوربین آشناست و دلش با خدا مرتبط است، آماده صحنه عملی دیگر باشد. نمی‌شود از کنار هیچ یک از این حوادث و مظلومیت‌های مردم منطقه ساده عبور کرد. البته این انقلابی‌گری را از قدیم به ما یاد می‌دادند و اختصاصی به انقلاب اسلامی خودمان ندارد. از بچگی به ما یاد داده‌اند: «تو کز محنت دیگران بی‌غمی - نشاید که نامت نهند آدمی»

روز گذشته حجت الاسلام و المسلمین پناهیان در مراسم بزرگداشت شهید «هادی باغبانی» که در حوزه هنری برگزار می‌شد ضمن اشاره به وضعیت کنونی منطقه و جهان، پیرامون «شرایط جدید»، رویارویی نهایی حق و باطل، و نقش هنرمندان و مستندسازان سخنرانی کرد. گفتنی است، هادی باغبانی از هنرمندان کشورمان است که چندی پیش در حین مستندسازی از مظلومیت مردم سوریه توسط تروریست‌های تکفیری به شهادت رسید. **در ادامه فرازهایی از سخنان ایراد شده توسط حجت الاسلام پناهیان را می‌خوانید:**

فاصله دوران دفاع مقدس با دوران بعد از آن، فاصله بین «حرف» تا «عمل» است / جدیت دوران دفاع مقدس دیگر دیده نشد

- یک تفاوت بسیاری اساسی که دوران دفاع مقدس با دوران‌های دیگر دارد این است که دوران دفاع مقدس دوران «عمل» بود، و دوران‌های دیگر دوران «حرف» است. خوب است به این تفاوت عمیقاً نگاه کنیم. از حرف تا عمل چقدر فاصله وجود دارد؟
- بنده در دوران دفاع مقدس وقتی به چشم‌های نورانی رزمندگان نگاه می‌کردم و به حکم وظیفه طلبگی برایشان از خدا و پیغمبر(ص) سخن می‌گفتم جدیت را در نگاه‌های آنها می‌دیدم؛ جدیتی که یک ذره شوخی، بازی، غفلت و سبک انگاشتن امور معنوی در آنها نبود.
- بعد از دوران دفاع مقدس در بهترین جلسات معنوی شرکت کرده‌ام، اما هیچ وقت آن جدیتی که در نور دیدگان رزمندگان بود، دیده نشد. چون آن رزمندگان، کارشان از علاقه و عقاید گذشته و به عمل رسیده بودند. آنها به عالی‌ترین مضامین معنوی عمل می‌کردند چون خودشان را در آستانه یک عمل بزرگ یعنی جهاد و شهادت می‌دیدند، و مصرف‌کنندگان بسیار خوبی برای معارف دینی بودند.
- پس، از این زاویه می‌توان دوران دفاع مقدس را دوران عمل به حساب آورد. در آن دوران که دوران عمل پاک و نورانی جهاد بود، دیگر حرف‌ها در مقابل عمل ارزش خود را از دست می‌دادند، چه حرف‌های اختلاف برانگیزی که ناشی از هواهای نفسانی آدم‌ها و از سر سرمستی آلودگی به دنیا بود، و چه حرف‌های خوب. چون اگر کسی حرف خوبی داشت باید در میدان عمل نشان می‌داد. حرف‌های غلط تقریباً مرده بودند و لاقط کمتر از این حرف‌ها می‌شنیدیم، و یا کسی برای آن حرف‌ها ارزش قائل نمی‌شد.
- وقتی پیکر یک شهید به محله‌ای وارد می‌شد، مثل نوری بود که بر خفاش‌خانه‌ها می‌تابید، خفاش‌های «حرف‌های منفی» فرار می‌کردند و می‌رفتند. همچنان که پیکر نورانی شهید، مانند خورشیدی بود که می‌توانست غنچه‌های فطرت را در صحنه عمل شکوفا کند.

شهید باغبانی، طلیعه آغاز فصل دیگری از «عمل» را برای ما به ارمغان آورده/ دوباره سفره شهادت دارد باز می‌شود و خوشا به سعادت «السابقون السابقون»

• این شهید بزرگوار (شهید باغبانی) هنرمند و مستندسازی که در سوریه به دست تروریست‌های تکفیری به شهادت رسید، طلیعه حلول فصل دیگری از «عمل» را، برای ما به ارمغان آورده است. یعنی دوباره فصل عمل فرا رسیده است. دیگر خیلی از حرف‌های سطحی دیگران، نه تنها ارزش شنیدن ندارد، بلکه دیگر ارزش نقد و پاسخ دادن هم ندارد. دوران حرف باطل به پایان رسیده است و خوشبختانه، دوران صرفاً حرف زدن از حق هم به پایان رسیده است؛ «گر مرد رهی، میان خون باید رفت/ از پای فتاده، سرنگون باید رفت» دوباره سفره شهادت دارد باز می‌شود و خوشا به سعادت «السابقون السابقون»

• مطمئن هستیم که شهدای دفاع مقدس به این شهید بزرگوار غبطه می‌خورند، چون مهم است چه کسی قاتل شما باشد و با چه عزم و کینه‌ای شما را به شهادت برساند. او به دست کسانی به شهادت رسید که یک کینه ۱۴۰۰ ساله از علی بن ابیطالب (ع) صحابی جلیل‌القدر و عالی‌مقام پیامبر (ص) را در سینه دارند.

مستندسازان و هنرمندان ما جنایات منطقه را نشان دهند، تا سیاستمداران کهنسال و فرتوت ما دوست و دشمن را با هم اشتباه نگیرند

• الان در زمانی داریم از حق دفاع می‌کنیم که بعضی‌ها دفاعشان جنبه عملی به خود گرفته است. تمام مستندسازان و هنرمندان محترم باید عمل را سرلوحه برنامه زندگی‌شان قرار دهند. دیگر نه تنها حرف بیهوده زدن خریدار ندارد، بلکه حرف خوب زدن هم به تنهایی فایده ندارد. مستندسازان و هنرمندان ما باید بلند شوند و نشان دهند چه جنایت‌هایی دارد در منطقه اتفاق می‌افتد، تا سیاستمداران کهنسال و فرتوت ما به اشتباه نیفتند؛ کسانی که در کهنسالی دچار رخوت روحی شده‌اند، دوست و دشمن را با همدیگر اشتباه می‌گیرند.

درباره «شرایط جدید» صحبت کنیم نه درباره «فضای سیاسی»! / دیگر امکان سازش با تروریست‌های آدم‌خوار و حامیان‌شان نیست

• بعضی‌ها می‌پرسند که در «شرایط جدید»، «فضای سیاسی» را چگونه می‌بینید؟ گفتم درباره «شرایط جدید» صحبت کنیم نه درباره «فضای سیاسی»! «شرایط جدید» شرایطی است که دیگر قدم غلط برداشتن و قلم غلط زدن در چنین شرایط جدیدی تقریباً امکان ندارد یا خیلی به سختی امکان دارد. چون این قدر حق خودش را آشکار نشان داده است و آن قدر باطل رسوا شده است که امکان خطا کردن وجود ندارد.

• اگر نعوذ بالله سازشکارترین سازشکاران، به سیاست‌خانه این میهن نورانی نفوذ کنند، هیچ اشتباهی از آنها سر نخواهد زد؛ چون دیگر امکان سازش با تروریست‌های آدم‌خوار و حامیان آنها وجود ندارد. نگرانی از سازش مربوط به وقتی است که امکان سازش وجود داشته باشد.

دیگر از رفتار کسانی که مایلند در لابی با دشمنان، ذلیلانه عزت‌فروشی کنند نگران نیستیم، حتی اگر بتوانند در بدنه جامعه نفوذ کنند!

• ما دیگر از رفتار کسانی که مایلند با دشمنان لابی کنند و ذلیلانه عزت‌فروشی کنند نگران نیستیم؛ حتی اگر آنها بتوانند در بدنه جامعه ما نفوذ کنند. چون دیگر دشمن ما آن دشمن سابق نیست. آمریکای مستاصل و جنایتکار امروز، دیگر آمریکای دوران دفاع مقدس نیست که بشود پشت پرده با او تباری کرد. این آمریکا عوض شده است. صهیونیست‌ها هم تغییر کرده‌اند، نه دیگر آن قدرت را دارند و نه آن حداقل نجابتی که بخواهند برای ظاهرسازی برخی امور را رعایت کنند. انشاءالله دوران رویارویی نهایی حق و باطل فرارسیده است و اینها از علائم ظهور هستند.

• بعضی‌ها مایل هستند که ما چشم‌مان را نسبت به واقعیت‌های عالم ببندیم و مانند کبکی که سرش را در برف فرو می‌کند تا شکارچی را نبیند، در قبال هر اتفاقی که در عالم رخ می‌دهد بگوییم: «اصلاً معلوم نیست هیچ یک از این حادثه‌ها ربطی به ظهور داشته باشد!» و چقدر بعضی‌ها خوشحال می‌شوند که بگوییم: «اثری از ظهور نیست، هر چه نگاه می‌کنیم هیچ مقدمه‌ای برای ظهور نمی‌بینیم!» ما هم برای رضایتمندی این قبیل افراد، همین طوری سخن می‌گوییم! مثلاً می‌گوییم: «علی‌رغم اینکه اتفاقاتی که دارد در سوره رخ می‌دهد، با آنچه در روایات بیان شده است شباهت دارد، ولی می‌گوییم شباهتی وجود ندارد!!!» برای اینکه آنهایی که دچار «بیماری تمنا برای تأخیر ظهور هستند» آرام بگیرند و بر ما نیاشوبند!

هنرمندان متعهد، چقدر برای خون دادن در میدان عمل آماده‌اند؟ / زمان جنگ: «تا کربلا، یک یا حسین دیگر»، امروز: «تا رویارویی نهایی حق و باطل یک یا حسین دیگر»

• به شما عرض می‌کنم؛ اگر بنا بر احتمال و علی‌رغم میل دشمنان دانا و دوستان نادان، ظهور نزدیک باشد، حوزه هنری به عنوان محل تجمع هنرمندان متعهد، چقدر برای خون دادن در میدان عمل آماده‌اند؟ حرف زدن را کنار بگذاریم! امروز روز ورود به میدان عمل و تبلیغ مظلومیت کسانی است که در خط مقاومت دارند با دشمن می‌جنگند.

• یک زمانی می‌گفتیم: «تا کربلا رسیدن، یک یا حسین دیگر» اما امروز شعارهای جدیدی باید به عرصه بیاید که دلالت بر این داشته باشد که تا رویارویی نهایی حق و باطل یک یا حسین دیگر، بیشتر نمانده است.

یقیناً امری بسیار بزرگتر از دفاع مقدس، در انتظار ماست / این شهید طلیعه آن امر بزرگ است

• از شما تقاضا می‌کنم درباره این پرسش بنده تأمل بفرمایید: خداوند در قبال این امکانات معنوی که در این ۲۵ سال بعد از دفاع مقدس به ما داده است، چه تکلیفی بر دوش ما می‌خواهد قرار دهد؟ خداوند متعال هر نعمتی به بندگان خود می‌دهد مسئولیتی را در قبال آن از بندگان خود می‌خواهد.

• در همان ابتدای انقلاب، یک مقدار معرفت و معنویت برآمده از متن انقلاب در دل‌های مردم و جوانان ما جاری شده بود، خداوند متعال ۸ سال دفاع مقدس را برای چیدن گلهای برآمده از صحرای انقلاب به ما هدیه داد. حالا حدود ۲۵ سال فضای معنوی و امکان تعلیم و تربیت و رشد معنوی بعد از دفاع مقدس به ما داده است و یقیناً امری در انتظار ما خواهد بود که بسیار بزرگتر از دفاع مقدس است. و این شهید طلیعه آن امر بزرگ است.

- خداوند متعال بعد از دوران دفاع مقدس سال‌ها آرامش و امنیت و امکان رشد معرفت و معنویت برای ما فراهم آورد تا در این سال‌ها کسانی مثل شهید باغبانی تربیت شوند، آیا شما فکر می‌کنید الان خدا از ما هیچ انتظاری ندارد؟! یقیناً بدانید که انتظار خداوند از ما پس از این نعمت معنوی و معرفتی که سالیان طولانی و در کمال امنیت به ما داده است بسیار بالاتر از دفاع مقدس است؛ اینکه چگونه رخ خواهد داد، نمی‌دانم.

باید تندبسی از شهید باغبانی در وسط شهر گذاشته شود تا اهالی هنر و رسانه سرمشق بگیرند/ مستندسازی که مستندی برای رفع مظلومیت مظلومان منطقه نساخته باشد، برای ابد شرمنده خواهد بود/ زمان عمل انقلابی فرا رسیده است

- ما در دوران عمل هستیم؛ دوران عمل انقلابی. باید تندبسی از شهید باغبانی ساخته شود و در وسط شهر گذاشته شود تا همه اهالی هنر و رسانه از او سرمشق بگیرند. زمان عمل انقلابی فرا رسیده است.
- آیا در جشنواره فجر سال آینده احدی از هنرمندان به خودش اجازه خواهد داد فیلمی خارج از مقوله این همه مظلومیت‌ها که در منطقه جاری است بسازد؟! هر یک از مستندسازان که در پرونده خودش مستندی برای رفع مظلومیت مظلومان منطقه نداشته باشند برای ابد شرمنده خواهد بود. این نیاز به بخشنامه و توصیه ندارد، بلکه نیاز به یک شعور باطنی و شور انقلابی دارد. چه کسی شهید باغبانی را مجبور کرده بود که به خط مقدم مقاومت برود و در آنجا مصرانه برای به تصویر کشیدن مظلومیت نیروهای خط مقدم جبهه مقاومت جان بدهد؟!

- **شهدا سبک زندگی را تغییر می‌دهند. همان‌طور که در دوران دفاع مقدس این کار صورت گرفت. البته بعد از دوران دفاع مقدس تلاش‌های بسیار فراوان و بودجه‌های زیادی صرف شد برای اینکه این دوران نورانی به فراموشی سپرده شود، تا حدی هم موفق بودند اما به تمام توفیقات دسترسی پیدا نکردند! چون هنوز شیفتگان جهاد و شهادت در جامعه ما و منطقه حضور دارند که از دفاع مقدس الگو بگیرند.**

وقتی رزمندگانمان را از متن تصاویر هنری پنهان کردیم، در واقع به دشمنان فرصت دادیم بدل رزمندگان ما را بسازند/ کاش برخی هنرمندان ما هم صادقانه اعتراف کنند که در زمینه‌سازی برای ساختن القاعده مشارکت کردیم

- هنرمندانی که برای فراموش کردن دوران دفاع مقدس در آثارشان تلاش کردند، به دشمنان بشریت خدمت کردند، زیرا به آنها اجازه دادند بدل‌هایی برای رزمندگان دوران دفاع مقدس بسازند و به صورت تروریست‌هایی که «الله اکبر» می‌گویند و سر مظلومان را جدا می‌کنند در منطقه ظاهر شوند. وزیر امور خارجه اسبق آمریکا صراحتاً گفت «القاعده را ما درست کردیم» (فارس/خبر ۱۳۹۰/۱۰/۰۷/۰۰۹۲۱) بله، القاعده را آنها درست کردند، ولی ای کاش برخی از هنرمندان کشور ما هم صادقانه مثل آن وزیر امور خارجه جمهور اعتراف کنند و بگویند ما هم در زمینه‌سازی برای ساختن القاعده مشارکت کردیم.
- وقتی رزمندگانمان را از متن تصاویر هنری مان پنهان کردیم و معرفی نکردیم، در واقع به دشمنان فرصت دادیم بدل رزمندگان ما را بسازند. چون رزمندگان ما اولین کسانی بودند که با کمترین سلاح، «الله اکبر» گویان و شهادت‌طلبانه به دفاع از حق پرداختند، حالا آنها بدل زده‌اند و کسانی را به میدان آورده‌اند که شهادت‌طلبانه دارند از ظلم دفاع می‌کنند! آنها فرصت پیدا کردند این بدل را

بزند به خاطر اینکه ما به قدر کافی به رزمندگان دوران دفاع مقدس خودمان خدمت نکردیم و آنها را درست به جهانیان نشان ندادیم. آن قدر که رزمندگان ما اهل عمل بودند ما اهل عمل نبودیم و بیشتر اهل حرف بودیم.

هر کسی دستش با دوربین آشنا و دلش با خدا مرتبط است، آمادهٔ صحنهٔ عملی دیگر باشد / از بچگی به ما یاد داده‌اند: «تو کز محنت دیگران بی‌غمی - نشاید که نامت نهند آدمی»

- الان دوباره نوبت دیگری از دورهٔ عمل فرارسیده است. هر کسی دستش با دوربین آشناست و دلش با خدا مرتبط است آمادهٔ صحنهٔ عملی دیگر باشد. نمی‌شود از کنار هیچ یک از این حوادث و مظلومیت‌های مردم منطقه ساده عبور کرد.
- البته این انقلابی‌گری را از قدیم به ما یاد می‌دادند و اختصاصی به انقلاب اسلامی خودمان ندارد. یعنی یک وقت تصور نکنید بنده این سخنان را از سرِ عرق انقلابی حزب‌اللهی‌گری می‌گویم، نه! از بچگی به ما یاد داده‌اند: «تو کز محنت دیگران بی‌غمی / نشاید که نامت نهند آدمی» به خانوادهٔ این شهید تبریک عرض می‌کنم چون او از محنت دیگران بی‌غم نبود و خواست آدم بماند. نگاه نکنید به کسانی که نسبت به محنت دیگران بی‌غم هستند و برایشان مهم نیست که آدم نباشند.

قرآن: مرگ هیچ کس به واسطهٔ جهاد نزدیک نمی‌شود / «وقتش که بشود صدا می‌زند»

- باید به شما خانوادهٔ این شهید عزیز تبریک گفت که در خانهٔ خودتان «آدم» تربیت کرده‌اید و این خیلی باشکوه است. خیلی از جوان‌هایی که در همین سن و سال بودند و نسبتاً در شغل و کار خودشان هم موفق و حتی از مشاهیر بودند هم در یک تصادف فوت کرده یا در دریا غرق می‌شوند ولی فرزند شما این لیاقت را پیدا کرد که جان خودش را در معرض شهادت قرار دهد. از شهادت او شاد باشید چون خدا به واسطهٔ جهاد مرگ کسی را نزدیک نمی‌کند، این طور نیست که اگر کسی جهاد نکند سالم بماند. این مطلب را هم در قرآن و هم در کلام معصومین (ع) می‌توانید ببینید. **يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قَتَلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ؛ آل عمران/ ۱۵۴ و تفسیر المیزان ذیل همین آیه) شهدا سود می‌کنند، چون لیاقت پیدا می‌کنند که به مرگ عادی نمی‌میرند و از خدا می‌خواهیم این لیاقت را به ما هم بدهد.**
- کسانی که از ترس شهادت به جبهه نرفتند، باید بدانند که اگر جبهه می‌رفتند در وسط شدیدترین بمباران‌های دشمن هم سالم می‌ماندند. ما در جبهه نمونه‌های زیادی از این واقعیت را به چشم خودمان دیده‌ایم، به حدی که برخی از بچه‌ها وقتی از شهید نشدن خودشان اطمینان پیدا می‌کردند، حتی وصیت‌نامه هم نمی‌نوشتند و شجاعانه کارهای سخت و پرخطر را قبول می‌کردند و به قلب دشمن می‌زدند. این از اعتقادات ابتدایی رزمندگان ما بود.
- یادم هست که وقتی در معاونت فرهنگی لشکر بودیم؛ خیلی از بچه‌ها که دوست داشتند به خط مقدم بروند، اصرار می‌کردند که آنها را به خط مقدم بفرستند. یک خطاطی داشتیم که زیاد اصرار نمی‌کرد موقع عملیات به خط مقدم برود و می‌گفت: «وقتش که بشود صدا می‌زند» لذا می‌نشست و پشت جبهه کارها را انجام می‌داد و تابلوهای مورد نیاز مقرر را می‌نوشت. بعد یک جایی لازم شد که ایشان برود و در خط مقدم خطاطی کند. وقتی او را صدا زدند، با لبخند بلند شد و گفت: «حالا وقتش رسید و خودشان صدایم زدند!» ما اول نفهمیدیم چه می‌گوید، ولی وقتی به خط رفت و شهید شد، تازه فهمیدیم اینکه می‌گفت: «وقتش شده» معنایش چه بود. شهید باغبانی هم وقتش شده بود و او را صدا زدند و در بهترین موقعیت حاضر شد و به دست بدترین انسان‌های روی زمین به شهادت رسید. واقعاً خوشا به سعادت او.

از خدا می‌خواهیم روند رسوایی منافقان را سریعتر کرده و ما را در فتنه‌های آخرالزمان دستگیری نماید

- از خدا می‌خواهیم مرگ ما را هم شهادت در راه خودش قرار دهد. شهادت در مسیر مقابله با بدترین خلایق خدا را روزی ما گرداند. از خدا می‌خواهیم ما را اهل عمل قرار بدهد و آنهایی که اهل عمل نیستند را رسوا نماید.
- در روایات فرموده‌اند که امتحانات آخرالزمان برای رسوا کردن منافقین است (رسول الله(ص): لا تَكْرَهُوا الْفِتْنَةَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ فَإِنَّهَا تُبَيِّرُ الْمُنافِقِينَ؛ میزان الحکمه/روایت ۱۵۷۴۸) از خدا می‌خواهیم به حق خون این شهدا، روند رسوایی منافقان را سریعتر بگرداند و ما را در فتنه‌های آخرالزمان دستگیری بفرماید. و هنرمندان ما را در راه پرنور این شهید بزرگوار، راهی بگرداند.

